

خی صل

شکوفه ماسوری*

چکیده

این مقاله به بررسی سنتی در لرستان می‌پردازد که طی آن طرفین یک نزاع چنان‌چه قتل یا نقص عضو به وقوع بپیوندد با دادوستد مقداری پول یا برخی کالاها و یک یا چند دختر، ترک مخاصمه می‌کنند. به این سنت خی صل (خون صلح) یا خون‌بس گفته می‌شود. در ابتدای مقاله، جغرافیای منطقه، ترکیب قومی و طوایف مختلفی که در آن زندگی می‌کنند، با نگاهی مختصر بررسی شده‌اند تا حدود تاریخی و جغرافیایی خی صل مشخص شود. آن‌گاه، شکل کلی و علل نزاع‌های محلی در مناطقی که بافت عشیره‌ای دارند، بررسی شده است و در ادامهٔ این بررسی، مقاله به نزاع‌های منجر به قتل می‌رسد. مقررات و شکل اجرایی خی صل با توجه به حل مشکل نزاع از طریق ریش‌سفیدان (روش کدخدامنشی) قابل توضیح است و پس از این توضیح جزئیات مراسم آرایه شده‌اند. همچنین اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و اقلام غیرنقدی و نقدی رد و بدل شده در این سنت نیز تشریح و سرانجام به مبادلهٔ دختران با عنوان خون‌بس پرداخته شده است. ویژگی‌های این دختران و شرایط ازدواج با آن‌ها موضوع دیگر این مقاله را تشکیل می‌دهد. در نهایت با آوردن موارد مستند تاریخی، تلاش شده است استدلال‌های مقاله روشن‌تر شوند. در پایان لازم به ذکر است که، با توجه به تخصص مؤلف (کارگردانی تئاتر) در نگارش مقاله همواره عنصر باورپذیری مد نظر بوده است تا جایی که به لحاظ دستور زبان همه افعال به زمان حال آورده شده‌اند.

کلید واژگان: خون‌بس، خویشاوندی، خی صل، ریش‌سپیدی، عشایر، قوم‌شناسی، کدخدامنشی، لرستان.

براستی که دختر را ایشامی کند. او در شجاعت بی نظیر است و در صبوری بی نظیرتر. او به خون بس بودن گردن می‌نهد و در برابر آن طغیان نمی‌کند. این همه ریشه در ایشام، شجاعت و صبوری او دارد. دختر را برای نجات جان برادرانش به "خون بس" بودن گردن می‌نهد و زنج سالیان را بر تن و جان می‌خرد، زنجی طولانی تا زمان زنده بودنش را. تنها ایشامی عظیم می‌تواند بر قدمت این رسم بیفزاید و پایایی آن را تضمین کند. بی‌تردید اشک این دختران را در شب‌های تنهایی‌شان هرگز کسی ندیده است.

ای نوشته و تموم دخترونی که دجال خی رتته تقدیم موته *

مقدمه

لرستان با مساحت ۳۱۳۸۴ کیلومتر مربع در غرب ایران بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این استان از شمال به استان مرکزی و همدان، از جنوب به خوزستان، از شرق به اصفهان و از غرب به باختران و ایلام منتهی می‌شود. بلندترین نقطه این استان اشتران کوه با ارتفاع ۴۰۵۰ متر است و پست‌ترین نقطه آن ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

استان لرستان، سرزمینی است کوهستانی و به جز چند دره آبرفتی و چند دشت محدود، سرزمین هموار دیگری در این منطقه دیده نمی‌شود. این منطقه تا اواخر موزوئیک در زیر دریای تیس (سیاه، خزر، آرال و مدیترانه) قرار داشته است. فرسایش در لرستان بیشتر به وسیله آب‌های روان و به طور محدود در نواحی کوهستانی توسط فرسایش یخچالی صورت گرفته است. مهم‌ترین کوه‌های آن، کوه‌های ویلو، کمر بسته، اشتران کوه، سفیدکوه و هشتادپهلوی است. خاک‌های نواحی کوهستانی و دره‌ای لرستان که عمدتاً قهوه‌ای، بلوطی رنگ، پدوکال (خاک‌های آهکی) و خاک‌های دره‌ای می‌باشد، بیشتر از کانی‌های رسوبی بوده و در ایجاد آن‌ها عوامل آب و هوا و سنگ مادر نقش مؤثری داشته است.

مهم‌ترین رودهای استان لرستان عبارت‌اند از: سیمره، کشکان و سزار (از شاخه‌های رود دز). آب و هوای این استان بسیار متنوع است و این تنوع از شمال به جنوب و از شرق به غرب کاملاً محسوس است. دو آبشار معروف تاف در نوریان و افرینه و دریاچه گهر در اشتران کوه از زیباترین مناظر لرستان هستند. سرزمین لرستان از قدیمی‌ترین زمان‌ها مسکونی بوده و جزء سرزمین عیلام به حساب می‌آمده است. این سرزمین همواره مورد تاخت و تاز قوم‌های مختلف مانند بابلی‌ها، عیلامی‌ها و ساسانیان قرار گرفته است.

اولین دسته‌ای که بر قسمتی از خاک لرستان به طور منظم حکومت کردند عیلامیان بودند. عیلام کشوری بود متشکل از ولایات خوزستان، لرستان و قسمتی از بختیاری که مهم‌ترین

* - این نوشته به تمام دخترانی که به جای خون رفته‌اند تقدیم می‌گردد.

شهرهای آن شوش، ماداکتو و خایدالو نام داشته‌اند. عیلام لغتی است سامی و به معنی سرزمین کوهستانی است.

در کاوش‌های باستان‌شناسی آثار متفاوت سفالی، سکه‌های مختلف و مجسمه‌های بال‌دار مفرغی که قدمت چندین هزار ساله دارند به دست آمده است. هرچه از خرم‌آباد به سمت شمال شرقی و شرق پیش برویم آثار باستانی کاهش می‌یابد. بسیاری از جغرافی‌دانان اظهار عقیده می‌کنند که شاید خرم‌آباد فعلی در همان محل شاپورخواست باستانی واقع شده باشد. شاپورخواست همان شهری است که خرابه‌های آن امروز در دو کیلومتری جنوب‌شرقی شهر خرم‌آباد به جای مانده و به فرمان شاپور اول ساسانی ساخته شده است. شهر خرم‌آباد کنونی در اواخر قرن هفتم هجری رو به آبادانی نهاد و مردم شاید از لحاظ موقعیت شهر و به واسطه وجود چشمه‌های آب شیرین و گوارا، شاپورخواست را ترک نموده و به محل کنونی آمده و این شهر را بنا نهاده‌اند. از قرن‌های چهارم و پنجم هجری واژه لور و بعد لربه سرزمین کنونی و مردمان آن اطلاق گردید. ظاهراً این واژه را باید ساکنان شهر لور که در شمال اندیمشک امروزی واقع بوده به استان آورده باشند. گویش مردم این استان لری ولکی است. مردم لرستان به طایفه‌ها و تیره‌های مختلفی تقسیم شده‌اند که از آن جمله می‌توان از طایفه‌ها و تیره‌های زیر نام برد: کوگانی، بیرانوند، کردعلی‌وند، حسنوند، پاپی، کاکاوند، چغلوند، بهاروند، قلاوند، دریکوند، محمودوند، سگوند، چنگایی، چگنی، ساکی، کولیوند، دالوند، میر، دلفان، رگرم، بازگیر، کمالوند، یوسفوند.

روش‌شناسی

در پژوهش و نگارش این مقاله چند مشکل عمده وجود داشت. اولین مشکل، نبودن موارد مکتوب و منسجم در باره موضوع بود. بنابراین فقط اطلاعات اندکی از منابع مکتوب به دست آمد که بیشتر اطلاعات آماری و یکی دو مورد مقررات و قوانین مربوط به سنت خلی صل بود. در نتیجه این کاستی، نیاز به یک تحقیق میدانی احساس شد. اما با توجه به بافت طایفه‌ای و قومی منطقه کار میدانی نیز به مشکل برخورد، چرا که بزرگان و ریش‌سفیدان طایفه‌ها حاضر نبودند مستقیماً به پرسش‌نامه‌ها پاسخ گویند و این البته به سوابق سیاسی - اجتماعی منطقه به ویژه قبل از پیروزی انقلاب مربوط می‌شد. گروهی از مردم اصولاً با هرگونه پرسش‌نامه‌ای که در آن اطلاعاتی به طرف مقابل داده شود مخالف‌اند، بنابراین نیاز به همکاری دوستانی وجود داشت که کم و بیش با بافت منطقه نزدیکی انکارناپذیری داشتند، با کمک این دوستان پرسش‌نامه بازی که در حقیقت از سه سؤال اساسی شکل گرفت، تهیه شد:

۱- سابقه خلی صل در طایفه شما چگونه است؟

۲- مقررات و شکل اجرای خلی صل چیست؟

۳- آیا هم اکنون چنین رسمی وجود دارد و اگر موارد مستندی سراغ دارید بنویسید.

اما این پرسش‌نامه‌های باز هم در حقیقت کافی نبود چرا که پاسخ‌دهندگان سواد یا آمادگی لازم برای پرکردن آن‌ها نداشتند و بنابراین تحقیق میدانی به شکل مصاحبه انجام شد و حتی در این شکل هم پاسخ‌دهنده‌ها که اکثراً ریش سفیدها بودند حاضر نبودند نام‌شان در مقاله ذکر شود. از آن‌جا که مدارک مستند و نوشته شده بسیار ناچیزی در اختیار نگارنده بوده، بسیاری از آن‌چه که گردآوری شده از گفته‌های افراد طوایف مختلف است و چون این نیاز احساس شد که وسعت پدیده‌ی خنی‌صل در طوایف مختلف لرستان مطرح شود، لذا گاه برای یک مورد چندین نظر مشابه ولی به نقل از افراد مختلف ذکر شده است. چرا که غرض شرح یک برنامه‌ی مدون نبوده است. مثلاً در مورد رفتار با عروس خنی‌صل (که در متن راجع به آن توضیح داده شده) عقاید مطرح شده در بین طوایف مختلف جداً متفاوت و گاه متناقض بوده است. مسئله‌ی دیگر این است که از ذکر موارد مستند یا اسامی اشخاص، مکان و طایفه خودداری شده، چرا که به علت بافت عشایری و تقاضای این افراد رد کردن این خواسته آن‌ها را ناممکن دیدم.

۱- حدود تاریخی و جغرافیایی خنی‌صل

خنی‌صل^۱ (خون‌صلح) که در لرستان خنی‌بس^۲ (خون‌بس) هم گفته می‌شود عبارت است از رسم یا سنت یا عملی که طی آن طرفین یک نزاع چنان‌چه قتل یا نقص عضو به وقوع بپیوندد با دادوستد مقداری پول، اقلام جنسی و یک یا چند دختر ترک مخاصمه می‌کنند. خون بس یک قاعده‌ی اجتماعی است. خون صلح، مصالحه‌ای بین خانواده مقتول و قاتل است که معمولاً از سوی خانواده قاتل، دختر و مبلغی پول به عنوان خون‌بها به خانواده مقتول داده می‌شود و رفع دشمنی می‌گردد (ایزدپناه، ۱۳۶۷: ۵۲-۵۳).

حدود تاریخی

درباره‌ی خنی‌صل حدود زمانی دقیقی در دست نیست. عده‌ای معتقدند که از قدیم‌الایام این سنت وجود داشته است و همراه و هم‌پا با زندگی اجتماعی لرها بوجود آمده است. به عبارت دیگر میتوان منشأ آن را زمانی دانست که جامعه‌ی انسانی به صورت قبیله‌ای و طایفه‌ای درآمد. عده‌ای دیگر معتقدند که این سنت با مسئله کوچ ایلاتی که از مکان‌های دیگر وارد لرستان شده‌اند و در نواحی کاشرف و چغلوندی می‌زیسته‌اند ارتباط دارد و نیز گفته می‌شود که چون در ایل پاپی کوچ به مناطق گرمسیر بیشتر رواج دارد، پس احتمال این‌که ایل پاپی مروج این سنت بوده باشد هم زیاد است. گروهی نیز گفته‌اند که چون ایل بیرانوند به جنگ‌جویی مشهورند و بالطبع همواره در بین آن‌ها نزاع و درگیری وجود داشته است احتمال این‌که ایل

۱- xisol

۲- xibos

بیرانوند شروع‌کننده این سنت بوده باشد دور از ذهن نیست. به طور کلی آنچه قطعی به نظر می‌آید این است که سال‌های زیادی است این مراسم در لرستان انجام می‌گیرد، چرا که هر قتل و نزاعی آشتی را نیز در پی دارد. یعنی آن‌گاه که لرها خواسته و ناخواسته درگیر نزاع فردی یا جمعی شده و اشخاصی اعم از زن یا مرد کشته شده‌اند، عمل خون بس در نهایت در پیچه صلح را به روی مردم باز کرده است.

این رسم در بین لرها، بختیاری‌ها، کردها، ترکمن‌ها و حتی ترک‌ها وجود دارد و بعضاً در بین عرب‌ها نیز دیده شده است. به نظر می‌رسد که در بعضی از این محدوده‌ها علت وجود رسم، کوچاندن اجباری لرها به این سرزمین‌ها بوده است.

۲- منشاء پیدایش

مطالعه منابع اندک و قابل دسترس از تاریخ لرستان و بررسی آثار و شواهد مختصر برجای مانده از گذشته این استان، نمایان‌گر صحنه‌های پرتاب و پرفراز و نشیب مبارزات دامن‌دار قدرت‌های مردمی و محلی با حکومت‌ها بوده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که نزاع‌ها و درگیری‌ها در طول سالیان متمسادی و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در سرزمین لرستان جریان داشته و ناامنی‌های ناشی از این حرکات تخریبی، عرصه زندگی را بر مردم تنگ ساخته و مشکلات عدیده‌ای را بوجود آورده است. آنچه می‌توان در سیر تاریخی درگیری‌ها و نزاع‌های جمعی در گذشته و حال لرستان استنباط نمود این چنین است:

«تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دوره‌هایی که تضاد سیاسی موجود بین حاکمیت‌های محلی و طایفه‌ای با حاکمیت مرکزی شدت گرفت (مانند فتح خرم آباد به توسط سرلشکر امیر احمدی به سال ۱۳۰۲ ه.ش. و اعدام ۱۳ نفر از رؤسای طوایف از جمله غلامعلی خان بیرانوند، شیر محمد خان سگوند، رحیم خان معین‌السلطنه حاکم خرم آباد توسط سرلشکر خزاعی) یک نوع انسجام بین طوایف محلی بوجود آمد و درگیری‌ها بیشتر با حاکمیت‌های هم‌جوار و به نوعی با قوای دولتی ادامه می‌یافت» (مطالعه اجتماعی...، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۳).

در عوض با اقتدار حکومت مرکزی و فروپاشی اتحاد و هم‌آهنگی درون منطقه‌ای نزاع‌های قومی و محلی آن‌هم بیشتر به سبب اعمال سیاست‌های تفرقه‌افکنانه حکومت وقت، بین مردم این سامان در می‌گرفت.

«با پیروزی انقلاب علیرغم حمایت و وفاداری مردم این استان از حاکمیت نظام جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد که شدت درگیری‌ها و نزاع‌های قومی و محلی به خصوص نزاع‌های منجر به قتل بیشتر از گذشته نمود یافته است. با این تفاوت که در گذشته دور اعمال سیاست‌های حکومت به تشدید نزاع‌ها کمک می‌کرد، اما در شرایط فعلی علاوه بر عامل فرهنگی و روحیه انتقام جویی فردی و طایفه‌ای که در اکثر مناطق روستایی، عشایری و شهری بین مردم همچنان وجود دارد، عدم توجه و سطحی‌انگاشتن موضوع در گسترش و حادث شدن این معضل اجتماعی مؤثر بوده است». (همان، ج ۵). گروهی از اطلاع‌رسان‌ها که نگارنده

در رابطه با منشاء پیدایش خون‌بس با آن‌ها به گفتگو نشسته یا برای آن‌ها پرسش‌نامه ارسال کرده است، معتقدند که به‌طور کلی در جوامعی که ساختار آن برارتباطات عشیره‌ای و قبیله‌ای و تولید آن از طریق کشاورزی و دام‌داری (در اکثر موارد به صورت کوچ‌نشینی) است، برخوردهایی که بیشتر ناشی از منافع اقتصادی است بین افراد یا بین قبایل به وجود می‌آید. این‌گونه جوامع و این برخوردها سابقه‌ای بس طولانی دارد. نزاع معمولاً بر سر آب و خاک و مرتع و ناموس و گاه، دزدی است.

۲-۱- ابزار جنگ

سلاح مردم لر تا همین اواخر گرز^۳ و اسپر^۴ (گرز و سپر) بوده و کم‌تر از تفنگ استفاده می‌شده است. گرز را معمولاً از درختان سفت‌چوب مثل ارژن و بلوط می‌تراشیده‌اند و بلندی آن از سه و جب تا نه و جب است و جنس سپر هم از پوست نهنگ بوده که از مجرای تجاری وارد لرستان می‌شده است. ولی سپر در جنگ لرها عمومیت ندارد. چرا که از هر وسیله‌ای می‌توان به عنوان سپر استفاده کرد. بهترین سپر در جنگ لرها کپنک^۵ است که از پشم گوسفند درست می‌شود و گاهی از نفوذ گلوله هم جلوگیری می‌کند. ضمناً نوعی بالا پوش لرها در سرما و بارندگی هم هست. در وصف لر و کپنک سروده‌اند:

دی باوّه می کو دواره، دی باوّه می کو دواره
هرگری وا کپنکش ری صد سواره

ندا سر می‌دهند که پدر پیامرز، فرار کن،
هی کن هر لری با کپنکش به اندازه صد سوار مقاومت دارد

لرها در جنگ‌های محلی به خصوص نزاع فردی، هیچ‌گاه از تفنگ استفاده نمی‌کنند و در دفاع فردی دست بردن به تفنگ را دور از شأن خود می‌دانند. اگر کسی در نزاع محلی از تفنگ استفاده کند و حریف خود را بکشد، از او تعریف و تمجید که نمی‌شود هیچ، بلکه مورد تنفر هم قرار می‌گیرد.

بهترین مرد لر، آن کسی است که در نبرد تن به تن حریف را زمین زده باشد، یعنی او را پشت خاکی کند، این شیوه در لرستان راه و رسم پهلوانی است. کسی که زمین می‌خورد گاه

^۳ - gorz

^۴ - espar

^۵ - Kapaenak

ممکن است خانه و کاشانه خود را از یک آبادی به آبادی دیگر کوچ دهد. در لرستان و در جنگ‌های محلی گاه ممکن است یک نفر با چند نفر گلاویز شود. این نوع جنگ را جنگ نامردی می‌دانند و اگر شخص کشته شود از او به نیکی یاد می‌کنند و قاتلین را آدم‌هایی پست و زبون می‌شمارند.

گاه ممکن است یک نفر با چند نفر گلاویز شده و چه بسا پیروز هم بشود. این گونه افراد را چوب‌باز می‌گویند. یعنی کسی که در چوب زدن مهارت دارد و رسم دفاع را نیز می‌داند، چوب می‌زند و چوب نمی‌خورد. نمونه این افراد در لرستان زیاد است. در نزاع‌های محلی، زنان هم مثل مردان می‌جنگند و زنان چوب‌باز هم معروفیت داشته‌اند. در این گونه نبردها زنان جنگنده کِل^۶ [صدایی که زنان با زبان و دهان خود در می‌آورند و نشانه خوشحالی است] می‌زنند و به مردان قوت قلب می‌دهند. عموم جنگ‌ها، کشته به همراه ندارد و به ندرت پیش می‌آید که در نزاعی کسی کشته شود.

۲-۲- نزاع‌های خونین

به هر حال نزاع به هر علت یا انگیزه‌ای که شروع شده باشد در صورتی که منجر به قتل شود، شرایط و اوضاع منطقه را دگرگون می‌سازد. پس از وقوع نزاع جمعی منجر به قتل شرایط حاکم بر محل که گاهی چند روستا را نیز در بر می‌گیرد دگرگون شده خانواده قاتل یا کسانی که در معرض اتهام قرار می‌گیرند، به ناگزیر مایملک منقول خود را جمع‌آوری کرده، شتاب‌زده از محل سکونت‌شان خارج می‌شوند. در واقع از ترس برخوردهای بعدی و احیاناً وقوع قتل دیگر و غارت اموال راهی مناطق امن‌تر می‌شوند و از طرفی مردان خانواده و بستگان مقتول موقعیت را مناسب دیده و بعضاً به قصد هم‌دردی به گرد خانواده مقتول جمع شده و علیه خانواده قاتل صف‌آرایی می‌کنند و برای انتقام‌جویی اعلام آمادگی می‌نمایند. حتی گاهی گروهی از آنان خانواده قاتل را که کوچ کرده است، تعقیب می‌کنند و گروهی نیز به تخریب مایملک به جای مانده از او پرداخته و حتی در مواردی به ایجاد حریق در خانه و اموال غیرمنقول به جای مانده از خانواده قاتل مبادرت می‌ورزند. در این میان وابستگان قاتل نیز در امان نیستند و به وسیله خویشاوندان مقتول مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند در صورتی که خویشاوندان قاتل دارای قدرت و نفوذ محلی باشند قادر به ایستادگی خواهند بود اما این مقاومت ادامه درگیری‌های متوالی با عناوین و بهانه‌های واهی را به دنبال دارد که احتمالاً منجر به وقوع چندین قتل می‌شود و در صورتی که از نظر نفوذ محلی در موقعیت ضعیفی باشند (بدون پشتوانه طایفه‌ای) بالاجبار ترک دیار کرده و راهی شهر و یا روستای دیگری می‌شوند که سکونت آنان در محل جدید نیز مانع از اذیت و آزار نمی‌گردد. در این میان، عده‌ای نیز در پی اقدامات قانونی می‌افتند و موضوع نزاع و قتل را به مأمورین انتظامی گزارش می‌دهند.

حضور مأمورین در محل تا حدودی در برقراری آرامش موثر بوده واضح است که برقراری این آرامش تا حدود زیادی بستگی به نحوه برخورد فرماندهان انتظامی با مسئله دارد.

در هر صورت مأمورین در محل مستقر شده با گرفتن مجوز قانونی معمولاً چند نفر را بازداشت کرده و همراه با پرونده به مراجع قضایی معرفی می‌کنند. در نتیجه با اعزام طرفین نزاع به زندان مرحله جدیدی در پی‌گیری موضوع قتل شروع می‌شود. اما اگر شخصی اعم از زن و یا مرد در نزاع بین طرفین کشته شود، کار کمی مشکل می‌شود. اگر در نزاع بین دو تن یکی کشته شود، طرف مقابل قاتل محسوب می‌گردد. اگر شخص قاتل وضعیت قابل توجهی نداشته باشد طایفه او قاتل محسوب می‌گردند و گاه ممکن است در همان زمان کوتاه انتقام هم بگیرند و خود قاتل و یا یکی از اعضای خانواده او را بکشند. به هر حال اگر خانواده قاتل پایگاه مناسبی بین طایفه نداشته باشد مجبور به کوچ از محل وقوع حادثه به محل دیگری می‌شود. در آن صورت زمین و املاک و سایر ابنیه برای خانواده مقتول می‌ماند و اما اگر خانواده قاتل موقعیت اجتماعی مناسبی داشته باشند تمام افراد طایفه، خود را موظف به حمایت از او می‌دانند و با تمام قدرت در کنار او خواهند بود. اگر در نزاع بین دو طایفه شخص یا اشخاصی کشته شوند، کل طایفه مقابل، قاتل هستند. حتی اگر عده‌ای از آنان در جنگ شرکت نداشته باشند و یا اصلاً با نزاع مخالف باشند، خواه ناخواه شریک قتل محسوب می‌گردند. اگر در نزاع بین دو طرف از هر طرف یک تن بمیرد هنگام خون بس برای شخصی که بر دیگری برتری داشته است، دبه بیشتری طلب می‌کنند. در این‌جا منظور از برتری موقعیت و پایگاه فرد در اجتماع است. اگر شخص قدرت‌مند، آدم فقیری را بکشد و آن شخص ایل و تبار نداشته باشد، خانواده او را از موضع قدرت ظاهراً راضی به رضایت می‌کنند و برعکس اگر کسی که فاقد ایل و تبار و ثروت مکنت است شخصی غیر از هم شأن خود را بکشد فوراً کشته می‌شود و اگر کشته نشود برای همیشه متواری می‌گردد. در لرستان ممکن است به خاطر یک قتل چندین قتل اتفاق بیفتد که در اصطلاح محلی به آن تقاص^۷ می‌گویند.

اگر شخصی چند نفر را اجیر کرده باشد که از طوایف دیگری باشند و در حین نزاع یکی از این افراد شخصی را از طرف دیگر نزاع بکشد، قاتل محسوب نمی‌شود، چرا که آن‌ها فراخوانده این شخص هستند و شخص قاتل همان اجیر کننده این افراد می‌باشد.

۳- مراحل خی صل

مراحل انجام خی صل جز در پاره‌ای نکته‌های کوچک بین همه طایفه‌ها مشترک است.

⁷ taqās

۳-۱- علت به وجود آمدن رسم خی صل

اولین و مهم‌ترین عامل در این راستا، درگیری‌های طایفه‌ای و قتل‌های عمدی است که پی آمدهای خود را ایجاد می‌کند. اولین مسئله‌ای که پس از قتل‌های عمدی بروز می‌کرده، مشکل قضایی بوده است. پیش از این، قانون جایگاه خاصی در مناطق بسته (کوهستانی) نداشته و همین امر موجبات آن را فراهم می‌کرده تا مردم در این مناطق بر اساس نوع بینش و فرهنگ و به فراخور رشد فکری برای خود قانون وضع نمایند. دومین عامل، انگیزه آرامش و دوستی است. این انگیزه بالطبع درون هر شخصی وجود دارد، یعنی همه مردم آرامش و آسایش و دور بودن از جنگ را دوست دارند. لذا این انگیزه آن‌ها را به سوی وضع قوانین و قواعد اجتماعی خاصی سوق می‌داده است که منجر به قطع خونریزی‌ها شود.

۳-۲- پا در میانی ریش سفیدان

معمولاً بر خوردهای خونین که در اغلب موارد به کشت و کشتارهای وسیع از طرفین دعوا منجر می‌گردد، با پا در میانی ریش سفیدان خود قبیله یا ریش سفیدان قبایل دیگری که منافی در این میان دارند، سبب می‌شود که جریان جنگ به صلح منتهی گردد. در این میان عده‌ای تحت عنوان ریش سفید، واسطه، دلال و ... به بهانه میانجی‌گری وارد معرکه می‌شوند، این وساطت‌ها بیشتر بنا به خواست خانواده و خویشاوندان مقتول صورت می‌گیرد و به دنبال آن جلسات متعددی تشکیل می‌شود و شام و ناهارهای متعددی داده می‌شود (مطالعه اجتماعی ...، ۱۳۷۰، ج. ۵، وضعیت اجتماعی).

معمولاً با اجازه قبلی با حضور افراد ریش سفید دو طرف، در منزل عمو، برادر یا پدر مقتول مجلسی ترتیب داده می‌شود که در ابتدا، صحبت‌ها با مضامین صلح و دوستی آغاز می‌شود. معمولاً این ریش سفیدان از افراد صاحب نفوذ دو طرف هستند و چنانچه یکی از آن‌ها در مجلس حضور نداشته باشد، به عمد سعی می‌کنند که آن مجلس به نتیجه نرسد تا آن شخص نیز در مجلس بعدی حضور یابد (رابطین محلی). هنگامی که درگیری به وجود می‌آید و منجر به قتل کسی می‌شود خانواده قاتل به وسیله بزرگ طایفه که در اصطلاح محلی ریش سفید طایفه گفته می‌شود مقداری پول و چند رأس گوسفند و روغن برای خانواده مقتول به منزل او می‌فرستند، این شخص در مراسم سوگواری طرف مخصوصه، شرکت می‌کند و بعد از اتمام مراسم اجازه می‌گیرد که دوباره به منزل مقتول برود، این موارد به عهده ریش سفیدان طایفه است. در این مجلس بعد از دل‌جویی و معذرت خواهی خواستار شرایط خانواده مقتول می‌شود (نتایج پرسش‌نامه‌ها).

۳-۳- زمان مطرح کردن خی صل

معمولاً طرف قاتل، افرادی را به عنوان نماینده به مراسم عزاداری می‌فرستند ولی هیچ‌گاه تا بعد از مراسم چهلم یا سر سال (سالگرد) مسئله گذشت و خون‌بس مطرح نمی‌شود، مخصوصاً چنانچه مقتول از افراد به نام و دارای موقعیت اجتماعی خاص باشد. خانواده قاتل جرأت نمی‌کند که قبل از مراسم سر سال مسئله عفو و خون‌بس را مطرح کند چرا که بعد از قتل مسئله غارت و چپو است که منجر به متواری شدن خانواده و خود قاتل می‌شود. عمل غارت حتی با وجود نیروهای انتظامی نیز صورت می‌گیرد.

۳-۴- مرحله آغازین خی صل، قرار و مدارها

اولین موضوعی که خانواده مقتول در این جلسات روی آن اصرار و پافشاری می‌کند، مسئله زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها و سایر مایملک قاتل یا قاتلین به عنوان دیه است که آن‌هم در هر منطقه‌ای معیار خاصی دارد، زیرا زندگی یک کشاورز روستایی به زمین بستگی دارد و در صورتی که زمین را از او بگیرند، زندگی در روستا برایش مشکل خواهد شد. بنابراین تصمیم به کوچ به محل دیگری می‌گیرد. این امر معمولاً برای ریشه‌کن کردن وجود قاتلین در منطقه است. به هر حال در این جلسات، میزان خون‌بها بنا به عرف به صورت نقدی و جنسی مشخص و تعیین می‌گردد که گاهی قیمت‌های پیشنهادی خیلی بیشتر از عرف محل است. به عنوان مثال در یک نزاع منجر به قتل در سال‌های اخیر در اطراف خرم‌آباد خانواده مقتول مبلغ ۷۰ میلیون ریال به عنوان دیه دریافت کردند و سپس رضایت دادند (رابطین محلی). علاوه بر این مبلغ، یک یا دو دختر نیز برای ازدواج با خویشاوندان مقتول (از خانواده و خویشاوندان قاتل) در نظر گرفته می‌شود و در مورد انتخاب دختر خانواده مقتول اختیار تام دارد. در جلسه نهایی پس از امضای صورت مجلس تنظیمی و اعلام رضایت ظاهری خصومت‌ها پایان می‌یابد و قرارداد صلح امضا و رضایت نامه محضری اولیای دم رد و بدل و بدین ترتیب قاتل از چنگال قانون‌رهای می‌یابد (مطالعه اجتماعی... ۱۳۷۰، ج. ۵، وضیت اجتماعی).

در این جاست که مسئله خون‌بس پیش می‌آید. خون‌بس زمانی صورت می‌گیرد که خانواده مقتول یا مقتولین به طور ضمنی موافقت خود را با این کار اعلام کرده باشد. برای این کار ابتدا اشخاص صالح و مورد احترام طرفین با در میانی کرده و تلاش می‌کنند بین آنان صلح و دوستی برقرار سازند. این کار را در اصطلاح محلی کدخداه منشی می‌گویند. ابتدا سراغ خانواده مقتول رفته و شرایط او را برای صلح می‌گیرند و سپس این شرایط را به خانواده قاتل اعلام می‌کنند و در نهایت، با چند بار رفت و آمد کار را فیصله می‌دهند. معمولاً در چنین شرایطی خانواده مقتول باید از خود ترمش بیشتری نشان دهد.

ممکن است از دو طایفه، دو یا چند نفر به طور مساوی کشته شده باشند، در این صورت هر طایفه موظف است رضایت خانواده مقتول طرف مقابل خود را به دست آورد. در چنین

مواردی، کار چندان مشکل نیست. ابتدا یک طایفه از طایفه دیگر دعوت می‌کند تا مراسم سوگواری را به جای آورند. هر دو طرف تعدادی گاو و گوسفند و سایر مایحتاج خوراکی را از قبل به خانه طرف مقابل می‌فرستند که به آن پرسانه^۸ می‌گویند و غائله ختم می‌گردد. ولی اگر از یک طایفه کسی کشته شود، کار مشکل است. در این مجلس ابتدا راجع به صلح و دوستی صحبت می‌شود و بعد رقم دبه مطرح می‌شود که با توجه به نرخ تورم و ارزش ریال هر سال تغییر می‌کند.

در مرحله بعد اقلام جنسی مطرح می‌شود. اسب و تفنگ حتماً جزء این اقلام است. این تفنگ، تفنگ پیاکش^۹ (مرد کش) نام دارد و همان تفنگی است که مقتول به وسیله آن کشته شده است، بعد از تعیین پول و اسب و تفنگ صحبت از اقلام جنسی مخصوص پذیرایی است که عبارت‌اند از روغن، برنج، گوسفند، قند و چای. سپس، تعداد افرادی که باید دعوت شوند تعیین می‌شود که حتماً باید خویشان درجه یک، دو و سه حضور داشته باشند. اقلام جنسی باید قبل از مراسم تحویل داده شود. پیش از مراسم خون‌صلح بسایید بین خانواده‌های قاتل و مقتول مقدماتی فراهم شود که عبارت‌اند از:

- ۱- مذاکره بین دو طرف به وسیله شخص مورد احترام آن‌ها.
- ۲- فرستادن اوآزیفه^{۱۰} یعنی آنچه برای پذیرایی و برپایی مجلس صلح لازم است، از قبیل برنج و قند و چای و دیگر مورد نیاز که اوآزیفه نامیده می‌شود (ایزدپناه، همان: ۵۲ و ۵۳).

۳-۵- دختر به مثابه یکی از عوامل ایجاد صلح

از جمله شرایط صلح، وصلت بین دو قبیله و ایجاد علقه و نسبت است که به این ترتیب بنا به تقاضای خانواده مقتول معمولاً به خاطر دست‌یابی به صلح، گرفتن دختری به عنوان خی صل مطرح می‌شود. هنگام خون‌بس علاوه بر دبه، خانواده مقتول یک یا چند دختر هم طلب می‌کنند که این خواسته ممکن است مورد توافق خانواده قاتل نیز قرار بگیرد. ولی گاهی هم ممکن است با تعداد کم‌تر یا بیشتری از تعداد خواسته شده نیز موافقت گردد و طرف دیگر هم آن را بپذیرد (رابطین محلی).

- سازوکار تصمیم‌گیری: در گذشته تصمیم‌گیری به خصوص در امور جمعی مانند جنگ و صلح و خون‌بس و کوچ و اطراق با نظر بزرگان ایل و با صلاح‌دید آن‌ها صورت می‌گرفت. هیچ‌کس بدون اجازه بزرگان قبیله، نمی‌توانست شخصاً اعمالی انجام دهد که برخلاف

⁸ porsane

⁹ piyakošh

¹⁰ owazifa'

صلاح دید بزرگان ایل باشد. در بسیاری موارد دامنه نفوذ این سازوکار تا حد ازدواج و طلاق در درون خانواده‌ها توسعه می‌یافت.

- پای‌بند بودن به آداب و رسوم و سنت‌ها: از دیگر ویژگی‌های فرهنگی جامعه عشایر پای‌بندی به آداب و رسوم و مقاومت در مقابل هر نوع بدعت بوده است و باید گفت این خصوصیت تا حدودی از تحول فرهنگی و فرهنگ‌پذیری آن‌ها جلوگیری کرده است.

- ازدواج: معمولاً ازدواج دو نفر جوان لر با یکدیگر عمدتاً بستگی به تمایل و اراده اولیای آن‌ها دارد و جوانان شخصاً و جدا از خانواده، آزادی عمل برای اخذ تصمیم درباره این موضوع را ندارند و این پدران آن‌ها هستند که بنا به موقعیت و مصلحت اجتماعی به انتخاب همسر برای فرزند خود تن در می‌دهند. امروزه در بعضی از خانواده‌ها که ریشه ایلبانی کمتری دارند، پای‌بندی به این عرف وجود ندارد و یا کم‌تر مشاهده می‌شود. همان‌طور که در تمام جوامع پدرسالار مرسوم است، همواره خانواده پسر برای ازدواج پیش‌قدم است و باید به خواستگاری برای پسر خود برود. زیبایی و کمال فردی دختر یا پسر در انتخاب همسر نقش اول را ندارد بلکه اولویت با معیارهایی نظیر داشتن خانواده، ثروت و کیان خانوادگی است و فرزند هم باید به این تصمیمات تن در دهد و اگر هم نظری داشته باشد معمولاً به راحتی قابل طرح نیست. هرچند در بعضی خانواده‌ها طرح آن چیزی را تغییر نمی‌دهد چون معیارهای سن و سال و کمالات فردی تعیین‌کننده نیستند بنابراین در روستاها در بسیاری موارد داماد خیلی مسن‌تر از عروس است ولی بنا به تشخیص ولی دختر او را به عقد داماد مورد نظر در می‌آورند. البته با توجه به تغییر بافت منطقه به دلیل آن که اکنون بسیاری از جوانان منطقه تحصیل کرده هستند، خود اجازه انتخاب همسرشان را دارند و این شکل فقط در بعضی از روستاها ادامه دارد.

۴- انواع ازدواج در لرستان

در جوامعی که بافت عشیره‌ای دارند، معمولاً ازدواج در چارچوب سنت‌ها شکل می‌گیرد و به تبع آن اشکال مختلفی پیدا می‌کند. این ازدواج‌ها عبارت‌اند از:

- ناف بریدن: به هنگام تولد دو نوزاد و به دیدن ناف آن‌ها می‌گویند: نافش را برای فلانی بریدیم و در واقع با این عمل آن‌ها را نامزد می‌کنند. خانواده پسر نیز تا هنگام بلوغ آن‌ها نسبت به تهیه لباس، طلا و پرداخت مخارج سالیانه دختر در حد چشم‌روشنی اقدام می‌کند و زمانی که هر دو به سن بلوغ رسیدند، اگر اتفاق غیرمترقبه‌ای پیش نیاید ازدواج صورت می‌گیرد، اگر اتفاقی پیش آید بسته به مورد، تصمیم‌گیری می‌کنند. مثلاً اگر پسر فوت کرده باشد و دختر به سن بلوغ رسیده باشد و خواستگار داشته باشد، بزرگان قوم به طور محرمانه از پدر پسر می‌خواهند که اجازه دهد دختر را شوهر دهند و معمولاً اگر خواستگار از دشمنان خانواده پسر نباشد اجازه داده می‌شود و اگر از دشمنان باشد که مسئله ممکن است به درگیری هم بدل شود و چنانچه دختر فوت نماید باز در هنگام ازدواج باید رضایت خانواده او را جلب نمایند.

- ازدواج به طریقه خواستگاری معمولی: خانواده پسر از خانواده دختر تقاضای خواستگاری نموده و پس از قبول با تشریفات لازم کار انجام می‌گیرد..

- ازدواج‌های تربیتی و نگه‌دارنده: این نوع ازدواج‌ها غالباً زمانی صورت می‌گیرد که مرد خانواده فوت کند. پس از مدتی به منظور نگه‌داری و تربیت فرزندان و نگه‌داری مادر آن‌ها خانواده متوفی زن را پس از مذاکرات با زن و خانواده‌اش به عقد یکی از نزدیک‌ترین افراد خانواده شوهر فوت شده در می‌آورند. شوهر جدید با اولویت باید برادر و در صورت نداشتن برادر، یکی از اقوام نزدیک مثل خواهرزاده متوفی باشد.

- ازدواج به طریق خون‌بس: هنگامی که میان دو خانواده یا دو ایل یا دو نفر درگیری باشد که منجر به قتل یکی از آن‌ها شود، پس از نشست‌هایی که بزرگان انجام می‌دهند، تصمیماتی گرفته می‌شود و براساس آن علاوه بر پرداخت مبلغ معمولاً گزافی وجه نقد بسته به اعتبار و شخصیت مقتول یک یا دو دختر هم به جای خون به خانواده مقتول تحویل می‌دهند که آنان را به عقد فرزندان، برادران و یا نزدیکان مقتول در می‌آورند و بدین طریق به اختلافات پایان داده می‌شود. البته این نوع ازدواج درست یا غلط تا چه حد در از بین بردن ریشه درگیری نتیجه بخش است، جای بحثی مستقل دارد. ولی علی‌الظاهر در بیشتر موارد در میان دو طایفه رابطه دایی و خواهرزاده‌ای برقرار می‌شود. هرچند مشاهده شده است که گاه این نوع ازدواج‌ها معضلات جدیدی را بر مشکلات قبلی افزوده است.

- ازدواج خون‌بهایی: اگر بین دو طایفه یا دودمان نزاعی اتفاق بیفتد و به مرگ یک نفر از دو طرف منجر شود، اگر قاتل مشخص باشد، با یا در میانی ریش‌سفیدان دسته دیگری برای آشتی دادن طرفین نزاع و از میان برداشتن دشمنی، ضمن پرداخت خون‌بهای مقتول، برای دوام صلح و دوستی از خانواده قاتل، دختری به عقد نزدیک‌ترین مرد به مقتول یعنی برادر یا پسر او در می‌آورند. این ازدواج نوعی خون‌بهاست. از همین جاست که گاهی زنان در مشاجره‌های خانوادگی به شوهر و یا افراد خانواده‌اش می‌گویند: مگر عوض خون مرا گرفته‌ای و این ازدواج‌ها موجب برقراری دوستی می‌شوند. "عروس خون‌بها بانوی خانه گردیده و مورد احترام شوهر و خانواده‌اش قرار می‌گیرد و این نوع مصالحه بین خانواده قاتل و مقتول را خی صل یا خون‌صلح گویند که نشانه‌ای از نقش زن در تبدیل دشمنی‌ها به دوستی است. به ندرت اتفاق می‌افتد که پایان این نوع ازدواج‌ها ناکامی و طلاق را به دنبال داشته باشد" (ایزدپناه، همان: ۵۳)^{۱۱}.

^{۱۱} - به نظر می‌رسد که نگارنده کتاب در مورد مقام دختر خون‌بس در خانواده همسرش خطا کرده است چرا که تحقیقات میدانی نگارنده نشان از آن داشت که در بیشتر مواقع با دختر رفتار خوبی نشده و همواره او را به دلیل خون‌بس بودن سرزنش کرده‌اند.

۱-۴- شرایط دختر و رفتار با دختر در خانواده مقتول

"اکثر دخترها را از ۷ سال به بالا به جای خون قبول می‌کنند و دختران کوچک‌تر و مخصوصاً زیر دو سه سال را اصلاً قبول نمی‌کنند. چرا که احتمال می‌دهند دختر بمیرد. دختری که به جای خون می‌دهند برادرزاده یا خواهرزاده یا فرزند قاتل است. دختر مورد نظر باید بالغ بوده و سالم باشد. دختر ممکن است دختر و یا خواهر قاتل باشد. اگر قاتل خواهر یا دختر نداشته باشد، یکی از دخترهای فامیل را انتخاب می‌کنند که باید با هم به توافق برسند و دختر در بعضی طوایف به وسیله خود خانواده قاتل و در بعضی طوایف به وسیله خانواده مقتول انتخاب می‌شود. گاهی مواقع نیز دختر کوچکی که هنوز بالغ نشده است برای یکی از پسرهای کوچک در نظر می‌گیرند که این عمل را اصطلاحاً ناف بریدن می‌نامند" (رابطین محلی).

تاریخ حکایت‌های زیادی دارد که ازدواج‌های درون گروهی همواره تأثیر مثبتی در روابط انسانی دارد. این رسم به خصوص در مورد شاهزادگان نیز وجود داشته، یعنی شاهان و شاهزادگان زنان متعددی را از طوایف مختلف به عقد خود در می‌آوردند تا به وسیله این ارتباط از میزان دشمنی این طوایف کاسته شود. گاهی ممکن است خانواده قاتل دختر نداشته باشند در آن صورت دختری از نزدیکان را انتخاب کرده و به خانواده مقتول می‌بخشند. به هر حال انتخاب دختر به عهده خانواده مقتول است. دختر را به نزدیک‌ترین کس مقتول یا به عبارت دیگر به عضو درجه یک خانواده او می‌دهند، مثل پدر مقتول یا برادر مقتول. اگر پدر و برادر در قید حیات نباشند یا پیر و از کار افتاده باشند در آن صورت اعضاء درجه دوم نیز ارجحیت دارند، ممکن است دختر را به مرد زنده هم بدهند. دختری که بابت خون می‌دهند باید جهیزیه کامل و مرسوم را با خود به خانه شوهر ببرد. مسئله دختر که مطرح می‌شود معمولاً دختر را به نام تعیین می‌کنند برای پسر به نام. که دختر معمولاً یا دختر قاتل است یا خواهر قاتل برای برادر مقتول یا پسر مقتول. حال اگر قاتل خواهر یا دختر نداشته باشد سراغ برادرزاده یا خواهرزاده یا عموزاده می‌روند. در اغلب موارد پیش می‌آید که در خانواده قاتل یا قبیله‌ای که منسوب به اوست دختر یا دختر بالغی وجود ندارد، ولی خانواده قاتل قول یک دختر نابالغ را به قبیله مقتول می‌دهد که پس از رسیدن دختر به سن بلوغ وی را به همسری یکی از افراد خانواده مقتول در می‌آوردند که البته در چنین مواردی که از جریان جنگ و منازعه وقتی گذشته، معمولاً خانواده یا قبیله طرف تعهد از انجام تعهد سرباز می‌زند که این مسئله خود نیز منجر به رویدادی تازه می‌گردد. هم‌شان بودن خانواده قاتل با خانواده مقتول خود نیز در اکثر موارد مسئله آفرین بوده است، زیرا اغلب دو خانواده قاتل و مقتول هم‌شان نبوده در نتیجه خون‌بس و دادن دختر مسئله لاینحل دیگری به موضوع اصلی اختلاف افزوده است، اما این مورد در زمانی که جنگ بین دو طایفه صورت می‌گیرد و در نتیجه دو طایفه، طرفین دعوا محسوب می‌شوند نه دو خانواده، قضیه در کل طایفه فیصله پیدا می‌کند. در این موارد دختر شخص معینی مورد نظر نیست، گو این که خانواده مقتول برای تحکیم موقعیت خود دختری را در نظر گرفته و درخواست می‌نمایند. مثلاً دختر کدخدا یا بزرگ قبیله را که ممکن است

پدر دختر راضی شود و یا این که با پول و مال (شامل چهارپایان، زمین، حلق آب و امثال آن) داستان خاتمه یابد.

در بین عشایر ایران روحیه قوم (فامیل) دوستی بسیار بالاست. به گونه‌ای که فرد علاقه به فامیل را بر سایر علایق برتری می‌دهد. اتفاق می‌افتد هنگامی که حادثه‌ای برای فردی رخ می‌دهد کلیه افراد فامیل (طایفه) او جمع شده و به کمک او می‌آیند، سپس برای رفع خصومت از نظر اهل عشیره چه بهتر آن که با ایجاد این ازدواج خصومت بین دو خانواده تبدیل به فامیلی گردد. در ازدواج‌های تحمیلی خون‌بس اگر چه دختر و پسر بدون اختیار تن به این امر می‌دهند لکن این دختر است که فدا می‌شود. زیرا دختری که به عنوان خون‌بها در مقابل قتل به خانه بستگان مقتول می‌رود تسلیم محض آن خانواده می‌باشد و عموماً شرطی در بین گذاشته می‌شود و با دو بند:

- بند اول: داماد حق جدا کردن خانه خود را ندارد. یعنی دختری که به جای خون‌بها آمده بایستی تا آخر عمر در خانه بستگان مقتول زندگی کند.

- بند دوم: او در خدمت خانواده است و هر کاری را که ارجاع می‌شود، بایستی بدون چون‌وچرا انجام دهد. در این رابطه ضرب‌المثلی رایج است که هنگامی که زنی بنخواهد اعتراض خود نسبت به سختی‌هایی که در زندگی متحمل شده است نشان دهد می‌گوید مگر من به جای خون آمده‌ام. خود به خود لفظ آمدن به جای خون برای هر زنی تداعی‌گر زحمت و مرارت و مشقت در زندگی است^۱ (یادداشت‌های آقای چنگایی).

- رفتار با دختر: چنین دختری در میان خانواده یا قبیله مقتول اکثراً به عنوان خونی محسوب شده و تحقیر می‌گردد، به ویژه از طرف زنان از موقعیت چندان دل‌نشینی برخوردار نیست. اصولاً خود دختران با این که می‌باید در خانواده مقتول زندگی کنند، مخالفانند. زیرا هر دختری می‌خواهد چگونگی زندگی مشترک خود را خودش انتخاب کند، ولی چون در این مسئله دختر آزادی انتخاب را از دست می‌دهد و نمی‌داند چه آینده‌ای در انتظار اوست برخورد خصمانه‌ای داشته و از آن وحشت دارد. به همین خاطر در اکثر مواقع دختر با میل به خانه مقتول یا طرف نزاع پای نمی‌نهد و این مسئله باعث می‌شود که دختر برای مدتی احساس ناامنی کرده و ممکن است که از خانه فرار کرده که در این صورت وظیفه خانواده دختر است که آن را به خانه شوهرش برگردانند. در بعضی مواقع هم با برخورد درستی که خانواده طرف مخاصمه با دختر می‌کند، دختر احساس خوشبختی می‌کند. کلاً دختر موقعیتی مانند یک عروس در خانواده طرف مخاصمه دارد که او را به ازدواج یکی از پسرهای فامیل در می‌آورند. این پسر می‌تواند برادر، پسر، پسرخاله، پسر دایی مقتول باشد یا اگر مسئله قتل در میان نبوده و مسئله نقص عضو باشد خود شاکی ممکن است او را به همسری انتخاب کند.

^۱ در یک مورد با عروس آنقدر بد رفتاری می‌شده‌است که حتی از بغل کردن بچه‌اش جلوگیری می‌کردند و اجازه هیچ‌گونه کاری به او نمی‌دادند^۲ (براساس پرسشنامه‌ها). گاهی عروس را از دیدن پدر و مادر و خانواده خود محروم می‌کنند. گرچه بعد از حاملگی و زایمان

دختر، بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند هم با خانواده قاتل نسبت دارند و هم با خانواده مقتول، ولسی با او به عنوان عروس برخورد نمی‌شود. او را بدون مراسم به خانواده مقتول می‌برند و برخورد خانواده مقتول با او هم مانند یک عروس نیست چرا که کدورت و دشمنی متوجه این دختر می‌شود و دل‌سوختگی مادر مقتول در برخورد با این دختر بروز می‌کند. دختر تحقیر شده و در جامعه محدود و کوچک روستایی انگشت‌نما می‌شود. دختر که در مذاکرات با او به عنوان یکی از اقلام برخورد می‌شود ممکن است در طول زمان و بعد از به دنیا آوردن فرزندان و عدم تکرار منازعات مورد احترام بیشتر واقع شود. مخصوصاً اگر فرزند مذکری به دنیا آورد و زن پا به سن بگذارد و نزاع تکرار نشود مورد احترام قرار بگیرد. "در یک مورد در یک آبادی خواهر یک آدم متنفد را به جای خون می‌دهند و بعد که دوباره نزاع در می‌گیرد، شوهر دختر تهدید می‌کند که زن را اذیت می‌کند و مثلاً شایع می‌کرده که به زنی افسار زده و قصدش این بوده که این شایعات به گوش برادر دختر برسد و این مسایل باعث نزاع مجدد بشود" (رابطین محلی).

در مورد دختر عقد شرعی بسته می‌شود و در دفتر هم ثبت می‌شود در زمان قدیم چون دفترخانه و مؤسسات ثبتی نبوده، لذا در حضور کدخدا و بزرگ ده شرایط رد و بدل می‌شده و بعداً آن را روی جلد قرآن می‌نوشته‌اند.

"بعضی‌ها گفته‌اند دختری که بابت دبه خون به خانه شوهر می‌رود آزار و اذیت می‌شود این گفته پوچ و بی‌معنی است و اتفاقاً چنان دختری مورد احترام هم هست و حتی مشاهده شده است که بعضی از زنان خون‌بس به علت شجاعت و لیاقت خود به مقام کدخدایی طایفه شوهر خود رسیده‌اند. یک نمونه آن شاطلا از طایفه حسنوند است و در بین عشایر به شاشناس معروف بوده است" (رابطین محلی).

۵- شکل اجرایی خی‌صل

- شرایط خی‌صل: نخست ازدو تبار قاتل و مقتول شخصی خوش‌نام و مورد اعتماد از ایل واسطه می‌شود و گفتگوهای دو طرف را شنیده، آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند. بقیه شرایط خون‌صلح یا خی‌صل عبارت‌اند از:

- *اوازیه*^{۱۲} یعنی تأمین هزینه‌های برپایی مجلس صلح مانند قند و چای و برنج و روغن و دیگر نیازهای مورد توافق که پیشاپیش باید به خانواده مقتول تحویل گردد. (در لری این واژه اطلاق به تمام اجناس مواد غذایی مورد نیاز عروسی است که تحت این نام به خانواده عروس تحویل می‌گردد).

- خارت حسو،^{۱۳} یا غارت حساب - یعنی تعیین و پرداخت تمامی زیان‌هایی که بر اثر کشته شدن آن شخص برای خانواده‌اش به وجود آمده و یا به غارت قاتل و خانواده‌اش رفته است.

- کارت کتلی،^{۱۴} یعنی کاردی برهنه براسبی سیاهپوش گذاشته می‌شود و در روزی که قاتل به خانه مقتول می‌رود، پیشاپیش او در حرکت باشد.

- بال بستن، یعنی بستن دست یا بازوی قاتل به بازوی ریش سفید ایل، یا شخص محترم واسطه و یا مورد اعتماد دو تبار در روزی که برای آیین صلح می‌روند. پارچه‌ای که برای بستن بازو به کار می‌رود باید از جنسی گران‌بها باشد. این پارچه سهم کسی است که در خانه قاتل بازوگشایی قاتل و همراهی او را می‌کند. برطبق سنت و روش ایل خون‌بها قبلاً پرداخت می‌شد و دختر به عقد طرف مقتول (برادر و یا پسر) درمی‌آمد. این دختر را عوض خون می‌گفتند (ایزدیناه، همان: ۵۲ و ۵۳).

یک روز قبل از انجام مراسم، وسایل پخت و پز را مهیا کرده و به همراه تعدادی گاو و گوسفند و برنج و روغن و قند و چای به خانه مقتول می‌فرستند. کم و زیاد اجناس فوق بستگی به موقعیت محلی طرفین دارد. هرچه سرشناس‌تر باشند، انجام مراسم هزینه‌ی زیادتری دارد و مسلماً افراد بیش‌تری در انجام مراسم حضور خواهند داشت. روز مراسم شخص قاتل را آماده کرده و کفن می‌پوشانند و شالی را به کمر او می‌بندند. کاردی هم با همان شال به کمر او بسته می‌شود طوری که دسته کارد به طرف بالا و کاملاً مشخص باشد دست قاتل را به دست بزرگ طایفه می‌بندند. اگر مسافت دور باشد در نزدیکی خانه مقتول اطراق کرده این عمل را انجام می‌دهند.

”روش دیگر اینکه کارد، قرآن و کفنی آماده کرده و کارد را روی کفن تاشده بر روی سینی و در کنار قرآن قرار می‌دهند و هر دو دست قاتل را از پشت بسته به طرف خانه مقتول می‌روند. این کار را در اصطلاح محلی مراسم کارد و کفن می‌گویند. در این مراسم ایل و تبار قاتل او را همراهی می‌کنند و در حالی که لوطی (مطرب) هم جلوجلوچمریانه^۱ [آهنگ سوگواری در لرستان] می‌زند راه می‌افتند. نزدیک محل برگزاری مراسم که می‌رسند عده‌ای از نفرات طایفه مقتول وظیفه دارند که به استقبال میهمانان رفته، اسب و مادیان را از آنان بگیرند و در محل مناسبی نگهداری کنند تا میهمانان بتوانند به انجام مراسم بپردازند نزدیک‌تر که می‌شوند، همه مردان در یک صف و همه زنان در صف دیگری قرار می‌گیرند. خانواده مقتولین هم به همین نحو عمل می‌کنند. وقتی میهمانان به فاصله بیست، سی متری قرار می‌گیرند باو^۲ می‌زنند (نال ناله دردناک با کمی فریاد) باو را ابتدا با فاصله می‌زنند، مثلاً هر دو قدم یک باو می‌زنند و دست‌ها را به سینه می‌کوبند در حالی که طرف مقابل هم همین حرکت را انجام

¹³ xarat heso

¹⁴ kart Kotal

می‌دهند و یک گام یک گام به استقبال میهمانان می‌روند. تا فاصله ده، پانزده متری هر یک قدم که بردارند یک باو می‌زنند و هرچه نزدیک‌تر بشوند فاصله ادای باوها کم‌تر می‌شود. در این مدت زنان هم در مقابل یکدیگر مهمان با میزبان قرار گرفته وی، وی (فریاد و ناله زنان لربه هنگام عزاداری که با خراش دادن صورت همراه است) می‌کنند و از طرف مقابل جواب می‌شنوند. میهمانان در فاصله ده، پانزده متری پا سست می‌کنند و به انتظار عکس‌العمل خانواده مقتول می‌مانند. در چنین مواردی یکی از اقوام درجه یک مقتول که معمولاً بزرگ خانواده هم هست، جلو می‌رود، کارد را از پر شال قاتل بیرون می‌کشد. با همان کارد دست‌های قاتل را باز می‌کند. پس از آن با قاتل روبوسی کرده و همراهان او را به طرف جمعیت دعوت می‌کند. جمعیت صلوات می‌فرستد و دوباره باو می‌زنند و حرکت می‌کنند. هرچه جمعیت به هم نزدیک‌تر شوند فریاد باو را بلندتر و فاصله آداهای آن را کم‌تر می‌کنند، تا زمانی که با هم دیگر قاطی شوند. زنان هم به همین نحو عمل می‌کنند و شیون می‌کنند. پس از چند لحظه حضار را از گریه و زاری باز می‌دارند و به طرف جایگاه که معمولاً از چندین سیاه چادر برپاشده است و کف آن‌ها را فرش نموده‌اند دعوت می‌نمایند. در آن‌جا بزرگان مجلس به گفتگو می‌پردازند. البته گفتگویی که مناسب حال و هوای مجلس باشد.^{۱۵} (براساس پرسش‌نامه‌ها) اعضای مجلس خون‌بس پس از صرف ناهار با بدرقه گرم میزبان به طرف خانه‌های خود باز می‌گردند. انجام مراسم خون‌بس در لرستان همواره به خوبی و خوشی به پایان می‌رسد. تنها یک نمونه از آن به خشونت کشیده شده‌است و آن موردی بود که قاتل را که دو برادر از یک خانواده را کشته بود دست‌بسته و کارد و کفن پوشیده به خانه مقتول می‌برده‌اند در مراسم خون‌بس قاتل به وسیله همان کارد که به کمرش بسته بود کشته می‌شود^{۱۶} (رابطین محلی).

مراسم خون‌بس از نظر آیینی در همه جا به یک شکل اجرا می‌شود. قبل از انجام مراسم اقلام را تحویل می‌دهند، بعد چند نفر زن مسن به خانه دختر می‌روند و یک دست لباس نو برای او می‌برند و او را همراه خود به خانه مقتول می‌برند. مراسم شب زفاف وجود دارد و نتیجه آن به خانواده دختر اطلاع داده می‌شود ولی دو ماچرو^{۱۵} (داماد پاگشا) و مراسم پاتختی برگزار نمی‌شود. بعد از تحویل دختر مراسم انجام می‌شود. قاتل اگر در زندان باشد با ارایه رضایت کتبی خانواده مقتول به دادگاه عفو او را می‌گیرند و بعد شکل آیینی اجرا می‌شود. قاتل را کفنی می‌پوشانند که عبارت است از پارچه سفیدی که در قسمت وسط آن سوراخی را برای عبور سر تعبیه کرده‌اند و دستش را با شال سفیدی می‌بندند و یک سر شال سفید را به بازوی مرد ریش سفید یا روحانی یا آدم متنفذ محلی می‌بندند. جماعت پشت سر آن‌ها راه می‌افتند و قاتل را به در خانه مقتول می‌برند، چون خانواده قاتل مستقیماً در مراسم پرس نبوده‌اند به دلیل ترس از تقاص در هنگام این مراسم بونگ^{۱۶} (بانگ) می‌زنند [فریاد دردناک] یعنی صف‌آرایی

¹⁵ domačero

¹⁶ bong

می‌کنند، رخ به رخ می‌ایستند و سه قدم برمی‌دارند و یک بونگ می‌زنند و دوباره سه قدم برمی‌دارند و یک بونگ می‌زنند.

کمی مانده به خانهٔ مقتول می‌ایستند تا پدر مقتول یا برادر بزرگ‌تر مقتول دست قاتل را باز کند. معمولاً کاردی را که به شال کمر قاتل بسته‌اند در می‌آورند و به او می‌دهند و می‌گویند یا بُکُش یا بُوُخش [یا بکش یا ببخش] و البته قبلاً اطمینان حاصل کرده‌اند که قاتل بخشیده خواهد شد و وقتی پدر یا برادر مقتول شال را باز کرد همگی به منزل مقتول می‌روند و چاشت یا ناهار می‌خورند. در مراسم چاشت هم کسانی هستند که همواره برای اطمینان یکی دو لقمهٔ اول را آن‌ها برمی‌دارند. در این مراسم کُتل^{۱۷} بسته می‌شود یعنی اسبی را تزیین می‌کنند با کُگل‌ونی^{۱۸} (سربند دختران لر) و حنا و آئینه، و تفنگ را هم حمایل اسب می‌کنند (این همان اسب و تفنگی است که مورد توافق قرار گرفته و جزء اقلامی است که ردو بدل می‌شود).

کتل را در مراسم تدفین مقتول نیز شرکت می‌دهند. به عقیده نگارنده، اسب تزیین شده و حضورش در مراسم به زمانی برمی‌گردد که تعزیه در ایران شکل گرفته است. یعنی این اسب از مراسم تعزیه وارد مراسم خون‌بس شده است. به هنگام مراسم خون‌بس هیچ حرفی از چگونگی کشته شدن مقتول یا غارت زده نمی‌شود.

۶- موارد مستند

منظور از موارد مستند کلیهٔ مواردی است که از پرسش‌نامه‌ها استخراج شده و همان‌طور که در روش‌شناسی مطالعه نیز آمده است این پرسش‌نامه‌ها کاملاً بی‌نام و نشان پر شده‌اند و گاهی حتی به دلیل حساسیت محلی از ذکر تاریخ و یا اسم روستا خودداری شده است.

- موردی که در سال ۱۳۶۱ بین دو آبادی در کمال‌وند و دره تنگ اتفاق افتاد. این دو آبادی هر دو از طایفه یوسفوند هستند و با هم وصلت‌هایی هم داشته‌اند درگیری آن‌ها بر سر چراگاه‌هاست. هر دو آبادی از زمان قاجارها دست‌نوشته‌هایی دارند که این چراگاه‌ها را متعلق به آن‌ها نشان می‌دهد. در هر دو دست‌نوشته آمده که چراگاه را به ۴۰ قران به آن‌ها فروخته‌اند. در سال ۱۳۶۱ از دو طرف ۴ نفر در نزاع کشته می‌شوند و تقریباً تمام مردان دو طرف به زندان می‌افتند و زنان به جنگ ادامه می‌دهند. در اثر دخالت ریش‌سفیدان، طرفین سه دختر و سه میلیون تومان وجه نقد و سه تفنگ و مقداری جنس مثل برنج و گوسفند و روغن و ... رد و بدل کردند در مراسم خون‌بس ۳۰۰۰ نفر از طوایف سلسله و دلفان جمع شدند و در کمال‌وند، مراسم را اجرا کردند.

- موردی که در الشتر اتفاق افتاد، نزاعی بود که بین امیری‌ها در آبادی سراب‌امیر با رشنوها در گرفت. علت نزاع مربوط به حفظ موقعیت اجتماعی می‌شد که منجر به قتل یک نفر

¹⁷ kotal

¹⁸ golvani

که کارمند دولت نیز بود، شد. جنگ آن‌چنان شدت گرفت که دامنهٔ آن به شهر نیز کشیده شد. بعد از یک‌سال، با نفوذ عوامل محلی به وسیلهٔ دیه و خون مخاصمه تمام شد.

- موردی که در یکی از روستاهای اطراف پلدختر اتفاق افتاد و مربوط به سال‌ها قبل (حدافل ۳۵ سال قبل) است. طی درگیری‌هایی که بر سر زمین صورت گرفت، به یکی از بزرگان طایفه آسیب رسید. یعنی یکی از دندان‌هایش شکست. طی مذاکرهٔ خون‌بس یکی از دختران طایفه مقابل را برای پسر طایفه مذکور نشان کردند تا وقتی که بزرگ شدند به عقد هم درآیند. هنگامی که هر دو بزرگ شدند از آن‌جایی که پسر مدت‌ها بود برای ادامه تحصیل از روستا خارج شده بود، پدر دختر خواست تا تکلیف دختر را روشن کنند. خانوادهٔ پسر بنا به خواست پسر رضایت دادند که دختر ازدواج کند و در حقیقت قرارداد اجرا نشد.

- در طایفهٔ حسونند یک نفر دو برادر به نام‌های خلیل و اردلان را کشته بوده و توافق برای خون‌بس صورت گرفته بوده است. در هنگام انجام مراسم آئینی هنگامی که قاتل را دست‌بسته به خانه مقتول می‌برند وقتی که جملهٔ یا بکش یا بوخش را می‌گوید، برادر سوم دو مقتول با همان کارد قاتل را می‌کشد و متواری می‌شود. خانوادهٔ او هم ناچار به ترک دیار خود می‌شوند. البته این چنین مواردی بسیار نادر است و به ندرت اتفاق می‌افتد.

- بین دو طایفه بهاروند و دریکوند بر سر زمین نزاعی درمی‌گیرد. در طی آن یک نفر از طایفهٔ بهاروند کشته می‌شود. بعد از مدتی جنگ شدت می‌گیرد. قاتل زندانی می‌شود. ریش سفیدان دخالت می‌کنند و قرارداد خون‌بس بسته می‌شود.

۷- ضرب‌المثل‌ها

در رابطه با خون‌بس سه ضرب‌المثل گردآوری شد که عبارت‌اند از:

- خیی وِر چُشْتینه گیرته.

خون جلوی چشمانت را گرفته.

که ریشه در غارتی که بعد از قتل صورت می‌گیرد دارد و به هنگام بروز هیجانات نامعقول به‌کار می‌رود.

- مگر دجال خیی اوامته.

مگر به جای خون آمده‌ام.

این ضرب‌المثل که ریشه در بد رفتاری با عروس خون‌بس دارد در مواردی به‌کار می‌رود که زنی در خانواده‌ای مورد ستم قرار بگیرد. معمولاً در مقابل این ستم ضرب‌المثل بالا را می‌گویند.

- کارد و کفن کرده اوامه تت.

کارد و کفن کرده پیشت آمده‌ام.

این ضرب‌المثل در مواردی به‌کار می‌رود که صحبت از تسلیم محض است و ریشه در مراسم تحویل قاتل به خانوادهٔ مقتول دارد.

نتیجه گیری

رسم خی صل هم اکنون نیز بین طوایف مختلف وجود دارد، ولی مراسم آئینی آن بنا به مقتضیاتی نظیر زندگی شهرنشینی یا مواردی از این قبیل در بعضی نقاط مختصرتر شده است. ولی اساس، قواعد و مقررات آن هم چنان پابرجاست. به نظر می رسد چنانچه نزاع منجر به قتل صورت بگیرد، نهایتاً با پا در میانی ریش سفیدان مسئله خی صل مطرح می شود و چاره کار قرار می گیرد. البته در میان طوایفی که دارای فرهنگ غنی تری هستند در مورد بخش هایی از آن انعطاف بیش تری نشان داده می شود. مثلاً در یک مورد در خرم آباد دو خانواده، دختر و پسری را که برای هم برگزیدند، که هر دو تحصیل کرده و به هم علاقمند بودند.

نظرها در مورد اینکه آیا دادن دختر تأثیری در پایان دادن نزاعها دارد یا نه، بسیار متنوع است. گروهی معتقدند که ازدواج های خون بس در پیچه های صلح را به روی هر دو طایفه باز می کند و فرزندان که از این دو به دنیا می آیند چون از هر دو طایفه هستند و خون هر دو طایفه در رگ های آنها جاری است، باعث نزدیکی و پیوند دو طایفه می شوند. گروه دیگر معتقدند چون دختری که به جای خون داده می شود عامل به وجود آورنده نزاع نبوده تا با ازدواج او نزاع پایان پذیرد، و تا زمانی که اصل مشکل که معمولاً اختلاف بر سر زمین و مرتع چراگاه است باقی است مسئله نزاع ممکن است دوباره و چند باره تکرار شود.

آنچه مسلم است دختری که با ایثار خود به خانه مقتول می رود تا باب دوستی جدیدی را بعد از دشمنی بگشاید در این میان فدا می شود. او می رود تا خانواده اش در امان باشند... چاره کار کجاست؟ اصل این است که باید ریشه نزاع را خشکاند. اختلافاتی را با راه حل های منطقی و قانونی حل کرد تا منجر به خشونت نگردد. باید فرهنگ این سامان را آنچنان غنی ساخت که دختر را نه جزء اقلام رد و بدل شده بلکه انسانی دارای حقوق اجتماعی و فردی بدانند.

هر چند که پیش آمده برای قتل زنی از طایفه ای نیز رسم خی صل به اجرا درآمده است اما بسیاری از دخترانی که به جای خون رفته اند و یک عمر نام خی صل را با خود داشته اند، حتی در سنین پیری که دیگر پسران بزرگی دارند که با هر دو طایفه نسبت دارند، به گذشته که می نگرند تأسف می خورند که چرا خودشان مرد زندگی مشترکشان را انتخاب نکرده اند.

منابع:

- ایزد پناه، حمید، ۱۳۶۷، فرهنگ لکی، تهران، جهانگیری.
- آثار باستانی و تاریخی لرستان، ۱۳۷۶، دو جلد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مطالعهٔ اجتماعی فرهنگی لرستان، ۱۳۷۰، شش جلد، چاپ اول، خرم آباد، استانداری لرستان.

- پرسش‌نامه باز انجام کار پرسش‌نامه‌ها به عهده آقای امید ماسوری بوده است. در مورد اسامی افرادی تاریخ یا اسم مکان در پرسشنامه‌ها لطفاً به توضیح آمده در روش‌شناسی و هم‌چنین نتیجه‌گیری توجه شود.

- مصاحبه با مردم طوایف مختلف لرستان، مصاحبه‌ها اکثراً توسط رابطین محلی صورت گرفته و این رابطین محترم بارها از مصاحبه‌شوندگان این درخواست را شنیده‌اند که نمی‌خواهند اسامی ذکر شود.

رابطین محلی:

- ۱- مرتضی مختاری
- ۲- عزت‌الله چنگایی
- ۳- علیمردان عسگری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی